

تکرار و تفکر

آموزش ابتدایی
دوره ۱۵ - شماره ۳

اشتباه مرا تکرار نکنید! ۱۸ / ناهید کوچکی میدی
هنرمندی با کاغذهای رنگی مچاله شده! ۱۹ / فروغ حسینی پوربهبهانی
توسعه‌ی سواد خواندن و هفت خوان رستم ۲۰ / افسانه رضوی
سرمدادم درد می‌کند! ۲۴ / سعیده اصلاحی
ش. ی. م. ۲۶ / فریدا هاشمی محمدی
مامان سوم! ۲۶ / زهرا دورانی
همیار سبز ۲۷ / سعید عبداللهی پیرداغ
عمان عطا این علقبا ۲۸ / حکیمه بلوری
تشکر با زبان کودکی ۲۹ / پروانه شبان‌پور
چهار گوشه، نه چهار گوش ۲۹ / قاسم سجادی
بهره‌گیری از جدول کلمات پراکنده ۳۰ / محمدرضا احمدی
دو روش ساده برای آموزش نوشتن ۳۲ / زهرا مبارکی

آذرماه سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

تکرار و تفکر

اشتباه مرا تکرار نکنید!

ناهید کوچکی میبیدی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان حاجیه مریم فیاضی، میبیدی



چندی پیش در اواسط سال تحصیلی پس از مدتی، متوجه شدم که یکی از دانش‌آموزانم مدام با ترس و اضطراب به مدرسه می‌آید و برگه‌های تمرینی هر ماه درس‌ها را جواب می‌دهد. با توجه به شناختی که از وی داشتیم و استعدادی که در او می‌دیدم، این فعالیت قابل قبول نبود. یک روز بالاخره او اسم امتحان را به میان آورد و گفت: «خانم معلم، مگه امروز ما امتحان نداریم؟»

گفتم: «نه، چطور مگه؟ ما هیچ‌وقت امتحان نداشتیم و نداریم. این برگه‌های تمرین همیشگی را میگی؟»، گفت: «بله». گفتم: «ما که امتحان نداریم، این برگه‌ها فقط برای تمرین و یاد گرفتن است و نه امتحان». بعد از کمی صحبت، آرام شد و با خیال راحت و آرامش خاطر رفت، نشست و به سؤالات به درستی و با سرعت پاسخ گفت.

بعد از آن روز وقتی بیشتر پی‌گیر قضیه شدم، فهمیدم که مادر این دانش‌آموز چون نمی‌دانسته است که طرح توصیفی در حال اجرا شدن است، فکر می‌کرده است که هر ماه درس‌ها را ما امتحان می‌گیریم، اسم امتحان را می‌آورد و مکرر به دانش‌آموز می‌گفته است: «باید امتحان را بخواند و امتحان دارد». بنابراین دانش‌آموز با ترس و اضطراب روبه‌رو می‌شده است. در نتیجه پس از این ماجرا اولیا و دانش‌آموزان را نسبت به طرح جدید توجیه کردم و این کار باعث شد که دیگر ترس و اضطراب سراغ این دانش‌آموز و سایر دانش‌آموزان نیاید و تمام نیروی خود را روی نشان دادن استعدادهایشان بگذارند. از همکارانم استعدا دارم اشتباه مرا تکرار نکنند و از همان ابتدای کار، اطلاع‌رسانی به اولیا را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار دهند.



هنرمندی با کاغذهای رنگی مچاله شده!

فروغ حسینی پور بهبهانی

آموزگار دبستان شهید نهایی ۱، بهبهان

یکی از درس‌هایی که کودکان می‌توانند در قالب آن، احساسات درونی خود را به خوبی نشان دهند، هنر است. از آن جایی که دست‌ورزی یکی از عوامل مؤثر بر رشد جسمی کودکان است و نیز به جهت تنوع بخشی به این درس تصمیم گرفتیم با کمک بچه‌ها تابلوی برجسته‌ای برای نصب در کلاس و سالن تهیه کنیم. برای همین از بچه‌ها خواستیم تا آن روز همراه خود در کلاس هنر کاغذهای رنگی داشته باشند. در این زنگ از آن‌ها خواسته شد تا نقاشی‌های خود را در برگه‌ی A۴ کشیده، سپس کاغذهای رنگی را تکه‌تکه و مچاله کنند و هر قسمت از طرح خود را به جای رنگ کردن و یا حتی در صورت تمایل بعد از رنگ‌آمیزی با تکه‌های مچاله شده حجم دهند و با چسب بچسبانند. در پایان هم تابلوهایی زیبای بچه‌ها در کلاس و سالن مدرسه نصب شد تا دیگر دانش‌آموزان نیز از دیدن آن‌ها لذت ببرند و این خلاقیت را نیز تجربه کنند که البته با استقبال خوب دانش‌آموزان، سایر آموزگاران و مدیر محترم آموزشگاه نیز مواجه شد. این کار آن قدر در زنگ هنر برای بچه‌ها جالب بود که از من خواستند در جلسات بعد هم این کار ادامه یابد. به این ترتیب دانش‌آموزان در این درس به یکی از هدف‌های ارزش‌یابی توصیفی که کسب تجربه‌های جدید است، دست یافتند.



توسعه‌ی سواد خواندن و هفت خوان رستم

بخش اول: سرآغاز و خوان‌های اول تا چهارم

افسانه رضوی

آموزگار دبستان ولی عصر (عج)، منطقه‌ی ۳ تهران

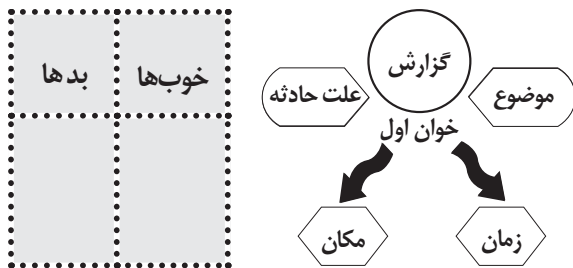
اشاره

چندین سال است که در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، راهکارهای ابتکاری پژوهش‌گران و آموزگاران را در زمینه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن منتشر می‌کنیم. در سه سال گذشته سلسله مطالبی به قلم سردبیر مجله منتشر می‌شد که اکنون همه‌ی آن مطالب، در قالب کتاب‌های مستقل ۳ گانه‌ای با نام‌های «ازوپ در کلاس درس»، «لافونتن در کلاس درس» و «بیدیا در کلاس درس» به چاپ رسیده‌اند. بسیاری از آموزگاران، با استفاده از الگوهای طرح شده در این کتاب‌ها، متن‌های دیگری از ادبیات کهن ایران را دست‌مایه‌ی خود قرار داده، به فعالیت‌های دیگری در حوزه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن و نوشتن سامان داده‌اند. یکی از این افراد، خانم افسانه رضوی، آموزگار خوش ذوق و پیش‌کسوت منطقه‌ی ۳ تهران است که پس از بهره‌گرفتن از داستان‌های مولوی، اکنون نبردهای هفت‌گانه‌ی رستم در اثر سترگ فردوسی، «شاهنامه» را به ابزاری آموزشی در زمینه‌ی توسعه‌ی سواد خواندن تبدیل کرده است. مطالب خانم رضوی را در دو بخش چاپ خواهیم کرد. بخش نخست به سرآغاز و خوان‌های اول تا چهارم اختصاص دارد و در بخش دوم با ماجراهای خوان‌های پنجم تا هفتم روبه‌رو می‌شویم. امیدواریم ابتکار این آموزگار محترم مورد توجه و استفاده‌ی شما قرار گیرد.

سرآغاز

تدریس در سال‌های متمادی سبب شد، تجربه‌ی خوبی از اهمیت کتاب‌خوانی و ترویج آن در میان دانش‌آموزان به‌دست آورم. نتیجه‌ی این امر بدیهی‌راه به مرور زمان در رشد کلامی و حجم دایره‌ی لغات دانش‌آموزان خود، به وضوح مشاهده کرده‌ام. در راستای تشویق آنان به سمت مطالعه، شکل صحیح کلمات





۲. با پرس و جو و پژوهش به سؤال‌های زیر جواب دهید.
الف) پهلوان دیگری از شاهنامه را که برای نابودی دشمن، از هفت خوان گذشت، نام ببرید.

ب) کی کاووس چگونه به آسمان رفت؟
پ) رستم چگونه اسب خود (رخش) را انتخاب کرد؟
۳. در داستان خوان اول خواندید، شیر عصبانی شد و به رخس حمله کرد.

شما داستان را عوض کنید و متن را طوری بنویسید که شیر به آرامی به رخس نزدیک شد.

در آن صورت سرنوشت شیر را حدس بزنید و داستان را کامل کنید.
۴. با مراجعه به کتاب «امثال و حکم» دهخدا، یا پرسش از بزرگ‌ترها

درباره‌ی اصطلاح «با دم شیر بازی کردن» تحقیق کنید.

۵. درباره‌ی نژاد گورخر ایرانی پژوهش کنید.

فعالیت‌های ویژه برای آموزگاران (این فعالیت‌ها مخصوص همه‌ی خوان‌هاست)

- از دانش‌آموزان خود بخواهید این خوان و دیگر خوان‌های شاهنامه را به سبک شاهنامه‌خوانی در کلاس بخوانند.
- بچه‌ها به‌ویژه دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم، با مراجعه به اصل شاهنامه، شعرهایی را که مربوط به آن خوان است، به کلاس بیاورند و برای دوستان خود بخوانند.

نبرد رستم در خوان دوم

وقتی خورشید، زمین را با نور خود روشن کرد، رستم از خواب برخاست. او سوار رخس شد و به طرف مازندران حرکت کرد.

رستم رفت و رفت، اما هرچه جلوتر می‌رفت، اثری از آب نمی‌دید. بیابان خشک، خار فراوان و آفتاب سوزان بود. جهان پهلوان از خستگی و تشنگی بی‌تاب شده بود. از اسب، روی خاک داغ بیابان افتاد. او نمی‌توانست باور کند که در مقابل گرما و تشنگی، تا این اندازه خرد و خوار شده است. در همین هنگام، گوسفند ماده‌ای از برابر او گذشت. رستم فکری کرد و با خود گفت: «این نزدیکی‌ها باید چشمه‌ی آبی باشد و گرنه این حیوان در این‌جا پیدا نمی‌شد. معلوم می‌شود که این خواست خداست.»

در ذهن‌شان نقش می‌بندد. در این صورت خودبه‌خود، روش درست نوشتن را به شیوه‌ی کاملی خواهند آموخت.

خواندن کتاب‌های داستان مربوط به هر سرزمین، برای تربیت و شکل‌گیری شخصیتی مطابق با فرهنگ آن قوم، مناسب است و باعث می‌شود که هویت فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی سرزمین خود را بشناسند. از همین‌گذر، با پیشرفت‌های علمی و فرهنگی، خصلت‌های پسندیده و نیکوی سرزمین‌شان در آن‌ها درونی می‌شود. از رفتارهای ناشایست شخصیت‌های منفی داستان به اشتباهات رفتاری خود پی می‌برند و از آن دوری می‌کنند. با گزینش داستان‌هایی از «گلستان» و «بوستان» سعدی، «شاهنامه»ی فردوسی، «مثنوی» مولوی، «مرزبان‌نامه»ی سعدالدین وراوینی و دیگران، آن‌ها را در یک متن ساده‌نویسی کردم و در آن واژه‌ها و تمرین‌های مدنظر را گنجاندم، تا همراه با مطالعه‌ی گروهی در کلاس، تمرین خواسته شده را نیز انجام دهند. در این صورت با اجتناب از یک نواختی املا و انشای سنتی، هدف‌های کتاب‌خوانی نیز در آن تحقق می‌یابد. آن‌چه در این بخش و شماره‌ی بعدی مجله تقدیم حضورتان می‌شود، نبردهای هفت‌گانه‌ی رستم در شاهنامه است که امیدوارم مقبول نظرتان واقع شود.

نبرد رستم در خوان اول

کی کاووس، پادشاه ایران زمین، به مازندران لشکر کشید. او می‌خواست مازندران را از چنگ دیوان آزاد کند، اما شکست خورد و در دام دیو سپید گرفتار شد. رستم برای نجات کی کاووس، به مازندران رفت. او در این راه، با هفت مانع سخت برخورد کرد و همه را از سر راه خود برداشت. این هفت مانع، هفت‌خوان رستم نام دارند.

خوان اول، مربوط به جنگ رخس و شیر است. رخس، اسب معروف رستم بود. رستم سوار بر رخس، به طرف مازندران به راه افتاد. هنگام غروب، به نیزاری رسید. در آن‌جا پیاده شد. گورخری را شکار کرد و بعد از کباب کردن، آن را خورد. بعد در میان نی‌ها، جایی برای خود درست کرد و خوابید. در آن نیزار، شیر درنده‌ای خانه داشت. کمی که از شب گذشت، شیر به کنام برگشت. وقتی رستم و رخس را در آن‌جا دید، عصبانی شد و به رخس حمله کرد. رخس اسب باهوشی بود. برای همین، هنگام حمله‌ی شیر، روی دوپای خود ایستاد. بعد با سُم، محکم بر سر شیر کوبید و او را کشت.

وقتی رستم بیدار شد، شیر کشته شده را دید، در دل به رخس آفرین گفت و فهمید که رخس، همیشه از او محافظت می‌کند.

پرسش‌ها

۱. ماجرای خوان اول را خواندید، شخصیت‌های داستان را به دو دسته‌ی خوب‌ها و بدها تقسیم کنید و با افراد گروه درباره‌ی دلیل این طبقه‌بندی گفت‌وگو کنید.

غذا	قضا
خرد	خورد
خاست	خواست
خار	خوار

او شمشیرش را به دست گرفت و دنبال گوسفند راه افتاد. از قضا، پس از مدتی، به چشمه‌ای رسید. رستم، با دیدن آب زلال چشمه، نیرو گرفت. از آب نوشید و سر و صورت خود را شست، به رخس هم آب داد. آن گاه برای غذا، گورخری شکار کرد، آن را کباب کرد و خورد و به استراحت پرداخت.

پرسش‌ها

۱. کلمه‌های داخل جدول را در داستان پیدا کن. بعد زیر آن‌ها را خط بکش.

۲. در خواندن کلمه‌هایی که پیدا کرده‌ای، دقت کن. مثل هم خوانده می‌شوند، ولی شکل نوشتن و معنی آن‌ها با هم فرق می‌کند. درباره‌ی معنی هر کلمه با افراد گروه خود گفت‌وگو کنید.
۳. چند کلمه‌ی دیگر که چنین ویژگی‌هایی را داشته باشند، پیدا کنید و بنویسید.
۴. داستان خوان دوم را تعریف کنید.
۵. درباره‌ی اهمیت آب، ضرب‌المثل‌های فراوانی وجود دارد. به چند نمونه از آن‌ها اشاره کنید.

یک فعالیت ویژه برای آموزگاران

- از بچه‌ها بخواهید با کلماتی که تلفظ یک‌سان، اما معانی متفاوتی دارند، جمله‌سازی کنید. (در پایه‌های بالاتر، این کار می‌تواند به شکل نوشتن داستان ارائه شود).

نبرد رستم در خون سوم

روز بعد، رستم بر رخس سوار شد. او تمام روز راه رفت تا نزدیک غروب به جایی سرسبز و خرم رسید. بعد از خوردن غذا، به خواب عمیقی فرو رفت، اما رخس تا نیمه‌شب در آن دشت چرا می‌کرد. ناگهان اژدهایی آتشی به طرف رخس و رستم آمد. رخس ترسید، شیهه کشید و سُم بر زمین کوبید. رستم از خواب بیدار شد، اما چیزی ندید. از کار رخس ناراحت شد و دوباره به خواب رفت. اژدها دوباره بیرون آمد و رخس سروصدا کرد. رستم از خواب برخاست و اطراف خود را جست‌وجو کرد، اما چیزی ندید؛ چون اژدها خود را پنهان کرده بود. رستم رخس را دعوا کرد و دوباره به خواب رفت. اژدها بار سوم هم برای کشتن رستم و رخس بیرون آمد. رخس که می‌خواست رستم بیدار شود، شیهه کشید. رستم با عصبانیت از جا بلند شد. اما این بار اژدها را دید. شمشیر خود را به دست گرفت و با اژدها جنگید. اژدها بسیار پرزور و قوی بود. ناگهان، دور کمر رستم پیچید. رخس به یاری رستم شتافت. با دندان‌هایش، گردن اژدها را فشار داد و استخوان‌های گردنش را خرد کرد. جهان پهلوان با شمشیر، سر اژدها را از تن جدا کرد و به این ترتیب، از این مانع هم به سلامت گذشت.



پرسش

۱. تاکنون با سه خوان از هفت خوان رستم آشنا شده‌اید، کلمه‌های زیر شما را به یاد چه کلمه‌های دیگری می‌اندازد؟ آن کلمه‌ها را بنویسید.
 - ✓ فردوسی،
 - ✓ رستم،
 - ✓ کاووس،
 - ✓ رخس،
 - ✓ خوان سوم،

۲. با افراد گروه درباره‌ی دلیل هر کلمه‌ای که نوشته‌اید، بحث کنید. با مراجعه به فرهنگنامه یا فرهنگ لغت درباره‌ی لغت ازدها اطلاعات بیشتری به دست آورد.
۳. آیا تاکنون نام **هر کول** قهرمان داستان‌های یونان باستان را شنیده‌اید؟

در این داستان‌ها او برای انجام کارهای خطرناکی که **دوازده خوان هر کول** نام دارد، انتخاب شده است. درباره‌ی خوان دوم این داستان و مبارزه‌ی او با **ازدهایی که سرهای بسیاری داشت**، تحقیق کنید و نتیجه را در چند سطر به آموزگار خود ارائه دهید.

۴. به آواز اسب (صدای اسب) چه می‌گویند؟ در صورت توانایی تقلید این صدا، (با اجازه‌ی آموزگارتان) با دوستان خود مسابقه‌ای ترتیب دهید.



بیان کنید.

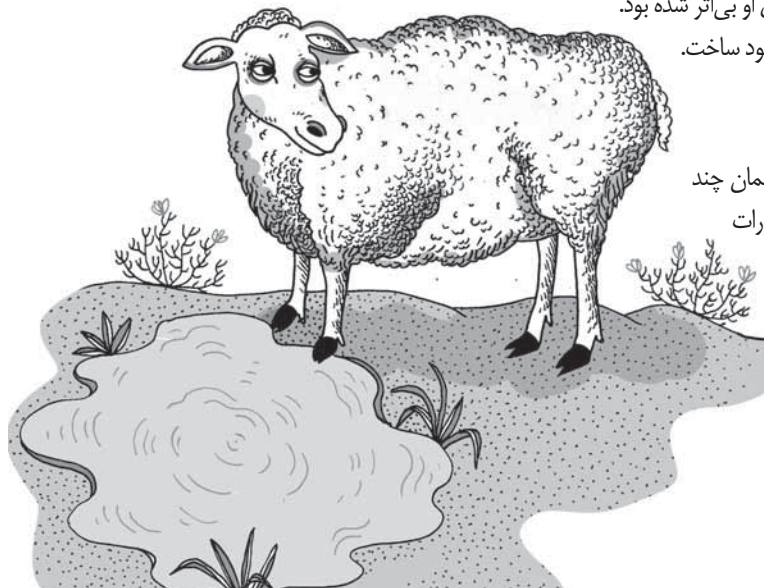
- اگر این امکان را داشتید که در یکی از خوان‌های رستم همراه او باشید، کدام خوان را انتخاب می‌کردید؟ چرا؟
- آیا مانع‌هایی را که در داستان می‌خوانید، شما را به یاد مانع‌های اطراف خودتان می‌اندازد؟
- اگر جواب شما بله است، به خاطر شباهت چه ویژگی‌هایی، چنین فکری به ذهن‌تان رسیده است؟
- اصل شعر خوان‌های اول تا چهارم را از شاهنامه به دست بیاورید و بخوانید.

نبرد رستم در خوان چهارم

رستم، پس از جنگ با ازدها و کشتن آن، رفت و رفت تا نزدیک غروب به چشمه‌ای رسید. چشمه، آبی زلال و گوارا داشت. اطراف آن هم پر از گل و گیاه بود. در کنار چشمه، سفره‌ای پهن بود. روی آن غذاهای رنگارنگی چیده بودند. سازی هم آن‌جا بود. رستم پیاده شد. دست و صورتش را شست و آبی نوشید. کنار سفره نشست و مقداری غذا خورد. بعد ساز را برداشت و نواخت. در این هنگام، زن جوان زیبایی در مقابل پهلوان ظاهر شد. رستم تعجب کرد و نام خدا را بر زبان آورد. با شنیدن نام خدا، ناگهان آن زن به شکل پیرزنی زشت‌روی درآمد. رستم فهمید که آن زن جادوگر است، زیرا با گفتن نام خداوند، جادوی او بی‌اثر شده بود. رستم کمند انداخت و جادوگر را گرفت و او را نابود ساخت.

پرسش

- وقتی شروع به خواندن خوان چهارم کردید. در همان چند بند اول، چه تصویری از پایان داستان داشتید، آیا تصورات شما درست بود؟
- با افراد گروه، خوان چهارم و خوان سوم را با هم مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را



سرمد ادم د

داستان‌واره‌ای آموزشی از زبان یک کودک

دیروز یک سرمدادی عروسکی و رنگارنگ با موهای طلایی و چشم‌های آبی از مامان جایزه گرفتم، چون سرمشق‌هایم را خوب و به موقع نوشته بودم و در جواب همه‌ی حرف‌های مامان و بابا گفته بودم: «چشم». حالا مدادم با این سرمدادی خیلی خوش گل شده، البته خانم معلم گفته که نباید اسباب‌بازی به کلاس ببریم، اما سرمدادی که اسباب‌بازی نیست. من فکر می‌کنم اگر مدادم خوش گل و خوش حال باشد، خیلی بهتر و خوش‌خاطر می‌نویسد.

همان‌طور که حدس می‌زدم توی کلاس، همه‌ی بچه‌ها از مداد و سرمدادی من خیلی خوششان آمد و چند نفر هم تصمیم گرفتند دختر خوبی باشند و مثل من از مادرشان جایزه بگیرند.

خانم معلم بعد از این که قصه‌ی نگاره‌ی امروز را تعریف کرد، به همه‌ی ما سرمشق جدید داد. اصلاً سخت نبود و سعی کردم خوب و تند بنویسم.

هنوز دو خط و نصفی ننوشته بودم که دستم خسته شد. داشتم از بغل دستیم عقب می‌افتادم. خیلی سعی کردم اما خسته شدم. نوبت گروه ما که رسید، خانم معلم نگاهی به من انداخت و گفت: «چی شده گل من؟ چرا نمی‌نویسی؟»
با خجالت سرم را پایین انداختم، نمی‌دانستم چه بگویم.

خانم معلم نگاهی به مدادم انداخت و گفت: «گوش کنید دخترهای گلم، این مداد، مال...»

آن وقت همه‌ی بچه‌ها با هم گفتند: «مال لیلاست... خانم...»

خانم گفت: «بله آفرین... اما می‌دونین... سرش درد گرفته...»

بچه‌ها با تعجب گفتند: «سر کی خانم؟ لیلا؟»

خانم با خنده گفت: «نه، سر مدادش... چون لیلا به سرمدادی سنگین روش گذاشته...»

حالا هم مدادش خسته شده و دیگه نمی‌تونه خوب بنویسه!»



اردمی گندا!

سعیده اصلاحی

آموزگار دبستان شهید محراب مدنی، منطقه ۱۵ تهران

کلاس اولی



بچه‌ها همه خندیدند. من هم خندیدم. خانم معلم هم دوباره خندید و گفت: «دخترهای نازنینم، این سرمدادی یا هر کلاه دیگه‌ای باعث می‌شه مدادتون سنگین بشه و بعد کم کم خسته بشه، سرش درد بگیره و دیگه نتونه بنویسه. حالا من این کلاهرو از سرمداد لیلا برمی‌دارم تا زودتر خوب بشه و بازم بنویسه. مداد که سنگین بشه، دستتون رو خسته می‌کنه. بچه‌ها! به انگشت‌های دستتون نگاه کنین، ببینید چه قدر باریک و ظریفند. این انگشت‌های کوچولو، نباید مداد سنگین دست بگیرند. هرچه مدادتون سبک‌تر باشه، سریع‌تر و راحت‌تر می‌نویسه.»

خانم معلم مداد و سرمدادی را به من برگرداند. من سرمدادی را توی کیفم گذاشتم و دوباره با مداد بی‌کلاهم شروع به نوشتن کردم. خانم معلم راست می‌گفت، دیگه دستم خسته نمی‌شد. از امروز سعی می‌کنم وقتی که مشقم تمام شد، سرمدادی عروسکی را روی سرمدادم بگذارم تا بین مدادهای روی میز از همه خوش‌گل‌تر باشد.



ش.ی.م

فریدا هاشمی محمدی

آموزگار دبستان اسلامی حاج جواد ارجمندی، تهران

در طول سال‌های تدریس همواره با مشکل رغبت نداشتن دانش‌آموزان به حل مسئله مواجه بوده‌ام. اولیا مکرر به من مراجعه می‌کردند و گلابه داشتند که فرزندشان در حل مسئله مشکل دارد. من هم راهکارهایی را ارائه می‌کردم، اما نمی‌دانستم تا چه اندازه می‌تواند به آن‌ها کمک کند. تا این‌که سال گذشته فرزندم دانش‌آموز پایه‌ی سوم دبستان شد و خودم به عنوان یک ولی، این مشکل را از نزدیک لمس کردم. با توجه به توانایی‌هایی که از پسرم سراغ داشتم، می‌دیدم نسبت به طرح مسئله ناتوان است و هر وقت برای او تمرین ریاضی می‌نوشتیم، با التماس از من درخواست می‌کرد که تمرین‌های کمتری بنویسم. او می‌گفت: «از مسئله متنفرم!»

نسخه‌هایی هم که برای اولیا تجویز کرده بودم کارساز نبود و نتوانست او را به درس علاقه‌مند کند، تا این‌که فکری به خاطرم رسید. از دانش‌آموزانم خواستم دفتری ۱۰۰ برگ با عنوان ش.ی.م یا «شبی یک مسئله» تهیه کنند. تعدادی تصویر کودکانه آماده کردم و پس از آموزش هر مبحث، مسائل مربوط به آن موضوع را داخل تصویر نوشتم.

پس از تکثیر از دانش‌آموزان خواستم، تصویر مربوطه را به شکل دل‌خواه رنگ‌آمیزی و تزیین کنند و در دفتر بچسباندند. مثلاً برای تصویر ماهی دریا بکشند و برای تصویر برگ، شکل گل بکشند و بعد مسئله را حل کنند. این کار علاوه بر این‌که ذوق هنری دانش‌آموزان را پرورش می‌داد، علاقه و انگیزه‌ی بچه‌ها را برای حل مسئله افزایش داده، تلخی حل تمرین را از بین می‌برد. به این ترتیب دیدم که آثار مثبت آن نه تنها در فرزندم، بلکه در سایر دانش‌آموزان نیز مشهود و قابل توجه است.^۱

پی‌نوشت

۱. این تجربه به شکل دیگری و با همان نام ش.ی.م، در کتاب نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق نوشته مشترک مرتضی مجدفر و زری آقاجانی (نشر امرود، ۱۳۸۹) به چاپ رسیده است.

مامان سوم!

زهرا دورانی

آموزگار دبستان فضیلت، روستای غنی‌آباد بشرویه خراسان جنوبی

ابتدای سال تحصیلی وقتی وارد کلاس شدم، بچه‌ها با شور و شغفی بسیار از من استقبال کردند. خودم را معرفی کردم و گفتم که معلم در مدرسه، مانند مامان شماست. به محض گفتن این حرف، یکی از بچه‌ها گفت: «یعنی خانم معلم، شما مامان دوم ما هستید؟!» هنوز جواب سؤال این دانش‌آموز را نداده بودم که یکی از بچه‌ها گفت: «البته خانم معلم، شما مامان سوم من هستید!» با صدای خنده‌ی بلند بچه‌ها و حرف‌هایی که در میان همه‌ی می‌شنیدم، فهمیدم که بابای آن دانش‌آموز دو تا زن دارد. فقط به این فکر می‌کردم که بچه‌ها چه دل‌های صاف و پاکی دارند و هر چیزی را با صداقت بیان می‌کنند. به بچه‌ها توضیح دادم منظورم

این است که سعی می‌کنم مثل مادر، با شما ارتباط خوبی داشته باشم تا در مدرسه هم احساس راحتی و خوش‌حالی کنید





همیار سبز

سعید عبداللهی پیرداغ

مدیر آموزشگاه شهید پرنیا، رباط کریم

طرح همیار سبز، ابتکاری در ارتباط با آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با گل و گیاهان بود که پس از معرفی و تأیید در شورای معلمان به روش زیر در مدرسه به اجرا درآمد:

در اولین جلسه، طرح با اولیا و مربیان در میان گذاشته شد و قرار شد در روزی خاص، هریک از دانش‌آموزان گیاهی خاص را به مدرسه بیاورند و اطلاعات، خواص و راه‌های نگهداری هر کدام را نیز ارائه کنند. پس از نوشتن نام و فوائد هر گیاه، وظیفه‌ی رسیدگی به آن‌ها بین کلاس‌ها تقسیم شد. از آن به بعد و در اوقات زنگ تفریح بچه‌ها و حتی اولیا، هنگامی که در مدرسه بودند به گیاهان توجه می‌کردند و خواص آن‌ها را مطالعه می‌کردند.

بدین ترتیب اهداف ذیل برای واحد آموزشی ما به ارمغان آمد:

- ✓ آشنایی مستقیم و غیرمستقیم دانش‌آموزان با گل‌ها و گیاهان
- ✓ تقویت روحیه‌ی حفظ محیط‌زیست
- ✓ ایجاد تنوع و نشاط در محیط آموزشی.



عَمَانِ عِظِ اَیْنِ عِلْفِبَا!

ارسالی از: حکیمه بلوری

آموزگار، زنجان

● ما برای صداهای کاملاً مشابه، حروف گوناگون داریم.

● برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ت، ط.

● برای این ۲ تا: ه، ح.

● برای این ۲ تا: ق، غ (البته قبول داریم که یک جورهایی متفاوتند).

● برای این ۲ تا: ه، ع.

● برای این ۳ تا: ث، س، ص.

● و برای این ۴ تا: ز، ذ، ض، ظ.

این یعنی:

✓ «شیشه» را نمی‌شود غلط نوشت.

✓ «دوغ» را می‌شود ۱ جور غلط نوشت.

✓ «غلط» را می‌شود ۳ جور غلط نوشت.

✓ «دست» را می‌شود ۵ جور غلط نوشت.

✓ «اینترنت» را می‌شود ۷ جور غلط نوشت.

✓ «سزاوار» را می‌شود ۱۱ جور غلط نوشت.

✓ «زلزله» را می‌شود ۱۵ جور غلط نوشت.

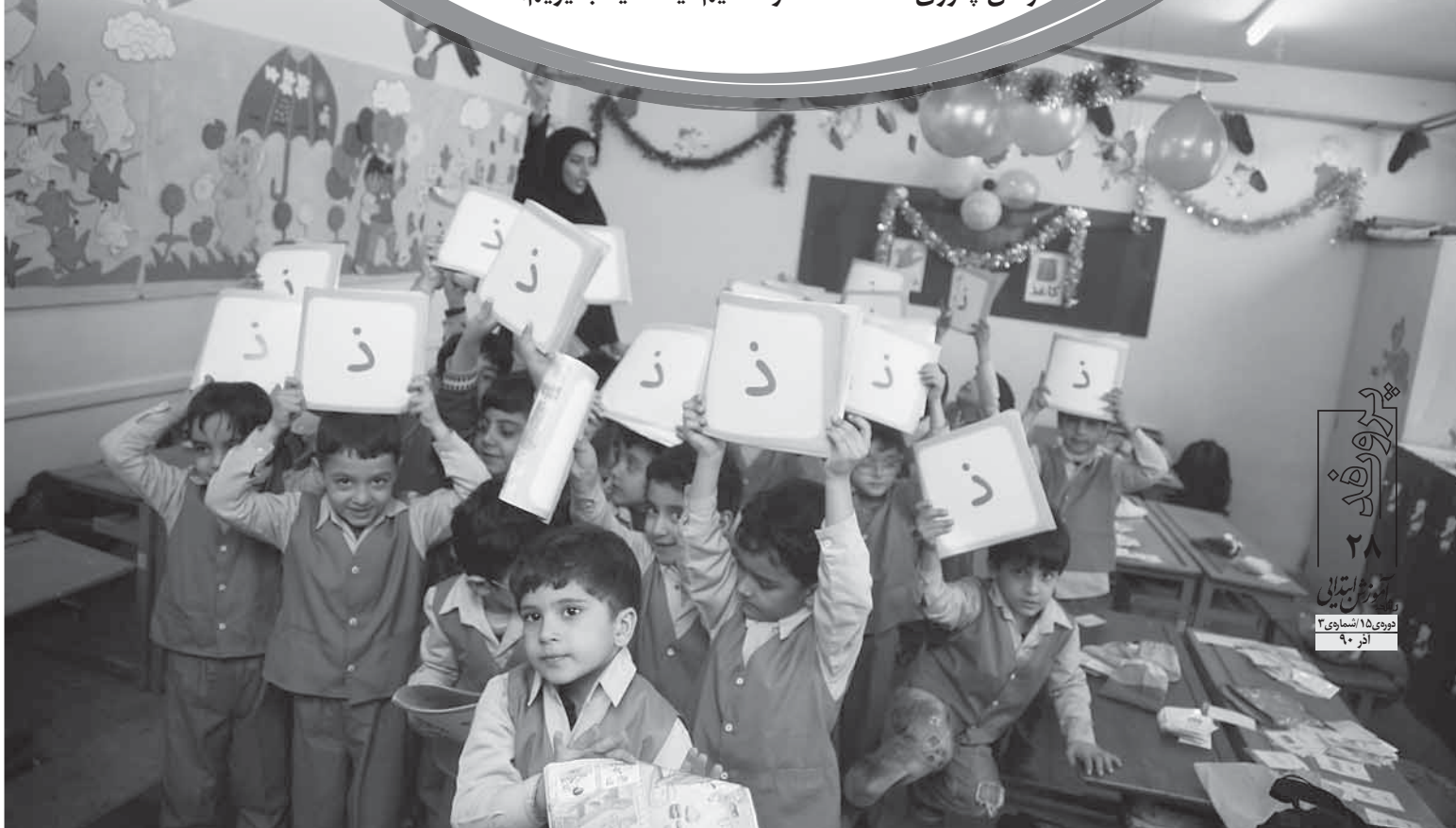
✓ «ستیز» را می‌شود ۲۳ جور غلط نوشت.

✓ «احتضار» را می‌شود ۳۱ جور غلط نوشت.

✓ «استحقاق» را می‌شود ۹۵ جور غلط نوشت.

✓ و «اهتزاز» را می‌شود ۱۲۷ جور غلط نوشت.

واغن چتوری شد که ماها طونصطیم دیکطه یاد بگیریم؟!



بهره‌گیری از جدول کلمات پراکنده

محمد رضا احمدی

عضو گروه‌های آموزشی اداره کل آموزش و پرورش مازندران

روشی برای انجام فعالیت‌های یاددهی - یادگیری در درس انشا

سراغاز

این جمله آشنای ذهن همه‌ی ماست: «اکثر دانش‌آموزان ما، بعد از پایان دوران تحصیلی قادر به بیان خواسته‌های خود در قالب یک نامه یا یک متن نیستند.» راستی اگر بخواهیم دلیل این ضعف را بیابیم، انگشت اشاره‌ی ما، کدامین درس را نشان خواهد داد؟ بی‌شک آن درس، انشا یا «بنویسیم» فعلی خواهد بود، انشا در واقع همه‌ی دروس است و یافته‌های دانش‌آموزان در یادگیری باید به وسیله‌ی این درس جلوه‌گر شود، اما افسوس که این درس چندان جدی گرفته نمی‌شود و همواره حالت تکلیف‌گونه به خود گرفته است!

یکی از دلایل این ضعف، روش‌های متداول تدریس انشاست. روش مسلط اکثر کلاس‌های درس ما در انشا، روش‌های سنتی است. این‌گونه که معلم‌ان ما یک موضوع واحد را در یک جلسه معرفی کرده و بعد از توضیحی مختصر از دانش‌آموزان می‌خواهند که در منزل آن را نوشته و در جلسه‌ی بعد به عنوان تکلیف به کلاس ارائه نمایند. در جلسه‌ی بعد هم چند نفر انشاهای خود را می‌خوانند و البته معلوم نیست که آن‌ها هم، نوشته‌های چه کسی را می‌خوانند، پدر، مادر و یا خود را؟! بقیه‌ی دانش‌آموزان هم با بی‌علاقگی به آن افراد نظاره‌گردند.

اما امروزه باید از خودمان پرسسیم، آیا اینک زمان آن فرانسیده است که به حاکمیت روش‌های سنتی تدریس انشا پایان دهیم؟ آیا اینک زمان دفن کردن آن روش‌ها و اندیشه‌های فرسوده نیست؟

در زمینه‌ی تدریس انشا به شیوه‌ی فعال و خلاق، روش‌های گوناگونی وجود دارد، روش‌هایی مانند بدیعه‌پردازی، بارش فکری، تلفیق حواس، کلمات پراکنده، طرح انشا و روش خورشیدی.

در ادامه، یکی از این روش‌ها به عنوان روش تدریس جدول کلمات پراکنده به صورت سناریو ارائه می‌شود و امید است با به‌کارگیری روش‌های فعال تدریس، این درس را از وضعیت تکلیف‌گونه‌ی آن خارج کنیم. آن‌چه در این روش باید مورد تأکید قرار گیرد، این است که با این شیوه، دانش‌آموزان تمرین می‌کنند و برای نوشتن متن کامل و واردشدن به دنیای ابداعی انشا آمادگی می‌یابند.

با هم وارد کلاسی خواهیم شد که معلم آن با استفاده از روش جدول کلمات پراکنده، فعالیت یاددهی - یادگیری را آغاز می‌کند:

گام (مرحله)	فعالیت معلم	فعالیت دانش آموزان																														
گام اول ایجاد انگیزه (انگیزه‌سازی و معرفی موضوع درس و بیان اهداف و انتظارات)	معلم تعدادی تصاویر که در ارتباط با مناسبت‌های همان ماه است از طریق رایانه (ویدئو پروژکشن) پخش می‌کند. به عنوان مثال مناسبت‌های ماه اردیبهشت (روز معلم، روز زمین پاک، هلال احمر و...) معلم از دانش آموزان می‌خواهد با توجه به تصاویر پخش شده، یک موضوع را با توافق هم انتخاب کنند. معلم موضوع انتخابی را بر روی تخته می‌نویسد و اهداف و انتظارات خود را به زبان ساده بیان می‌کند.	<ul style="list-style-type: none"> دانش آموزان تصاویر را به دقت نگاه می‌کنند. دانش آموزان در زمینه‌ی یک موضوع به توافق می‌رسند. مثال: زمین پاک. 																														
گام دوم تولید اندیشه	معلم جدولی را بر روی تخته‌ی کلاسی کشیده و از دانش آموزان می‌خواهد در ارتباط با موضوع به صورت گروهی، هر کلمه‌ای را که به ذهن‌شان می‌رسد فهرست کرده و در ستون مربوط به گروه خود بنویسند. (یک ستون هم مربوط به کلمات خود معلم است) (دانش آموزان بعد از فهرست کردن، کلمات مربوط به خود را در ستون مربوط به خود می‌نویسند)	<table border="1"> <tr> <td>گروه ۱</td> <td>زمین</td> <td>آب</td> <td>هوا</td> <td>آلوده</td> <td>انسان‌ها</td> </tr> <tr> <td>گروه ۲</td> <td>نابودی</td> <td>بهداشت</td> <td>زیبایی</td> <td>مرگ</td> <td>جانوران</td> </tr> <tr> <td>گروه ۳</td> <td>درختان</td> <td>فاضلاب‌ها</td> <td>خاک</td> <td>پژمرده</td> <td>فقط</td> </tr> <tr> <td>گروه ۴</td> <td>گیاهان</td> <td>بیمار</td> <td>آفریده‌ها</td> <td>محیطزیست</td> <td>دریاها</td> </tr> <tr> <td>معلم</td> <td>رودخانه‌ها</td> <td>ماشین‌ها</td> <td>کارخانه‌ها</td> <td>مواد سمی</td> <td>ماهی‌ها</td> </tr> </table>	گروه ۱	زمین	آب	هوا	آلوده	انسان‌ها	گروه ۲	نابودی	بهداشت	زیبایی	مرگ	جانوران	گروه ۳	درختان	فاضلاب‌ها	خاک	پژمرده	فقط	گروه ۴	گیاهان	بیمار	آفریده‌ها	محیطزیست	دریاها	معلم	رودخانه‌ها	ماشین‌ها	کارخانه‌ها	مواد سمی	ماهی‌ها
گروه ۱	زمین	آب	هوا	آلوده	انسان‌ها																											
گروه ۲	نابودی	بهداشت	زیبایی	مرگ	جانوران																											
گروه ۳	درختان	فاضلاب‌ها	خاک	پژمرده	فقط																											
گروه ۴	گیاهان	بیمار	آفریده‌ها	محیطزیست	دریاها																											
معلم	رودخانه‌ها	ماشین‌ها	کارخانه‌ها	مواد سمی	ماهی‌ها																											
گام سوم ترکیب کلمات (جمله‌سازی)	معلم: حالا هر یک از گروه‌ها با استفاده از کلمات داخل جدول و با اضافه کردن کلمات جدید دیگر، یک جمله‌ی زیبا در ارتباط با موضوع درس نوشته و در جدول در قسمت مربوط، جمله‌ها (ستون گروه خود) بنویسد. توجه: هر گروه می‌تواند از کلمات گروه‌های دیگر هم استفاده کند.	<table border="1"> <tr> <td>گروه ۱</td> <td>کره‌ی زمین از دست ما انسان‌ها ناراحت است.</td> </tr> <tr> <td>گروه ۲</td> <td>مرگ زمین مرگ همه‌ی انسان‌ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.</td> </tr> <tr> <td>گروه ۳</td> <td>بعضی از فاضلاب‌ها و مواد سمی کارخانه‌ها وارد رودخانه‌ها می‌شود.</td> </tr> <tr> <td>گروه ۴</td> <td>ماشین‌ها هم آلوده‌کننده‌ی محیطزیست هستند.</td> </tr> <tr> <td>معلم</td> <td>مواد سمی به فاضلاب‌ها باعث آلوده‌شدن دریاها و رودخانه‌ها و مرگ ماهی‌ها و جانوران شده است.</td> </tr> </table>	گروه ۱	کره‌ی زمین از دست ما انسان‌ها ناراحت است.	گروه ۲	مرگ زمین مرگ همه‌ی انسان‌ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.	گروه ۳	بعضی از فاضلاب‌ها و مواد سمی کارخانه‌ها وارد رودخانه‌ها می‌شود.	گروه ۴	ماشین‌ها هم آلوده‌کننده‌ی محیطزیست هستند.	معلم	مواد سمی به فاضلاب‌ها باعث آلوده‌شدن دریاها و رودخانه‌ها و مرگ ماهی‌ها و جانوران شده است.																				
گروه ۱	کره‌ی زمین از دست ما انسان‌ها ناراحت است.																															
گروه ۲	مرگ زمین مرگ همه‌ی انسان‌ها، درختان و جانوران بر روی زمین است.																															
گروه ۳	بعضی از فاضلاب‌ها و مواد سمی کارخانه‌ها وارد رودخانه‌ها می‌شود.																															
گروه ۴	ماشین‌ها هم آلوده‌کننده‌ی محیطزیست هستند.																															
معلم	مواد سمی به فاضلاب‌ها باعث آلوده‌شدن دریاها و رودخانه‌ها و مرگ ماهی‌ها و جانوران شده است.																															
گام چهارم مرتب کردن جملات (اولویت‌بندی)	معلم: بچه‌ها حالا بیایید با کمک هم، این جملات گروهی را به ترتیب اولویت مرتب کنید.	دانش آموزان درباره‌ی اولویت جملات به توافق می‌رسند.																														
گام پنجم نوشتن متن انشا در کتاب یا دفتر و به کارگیری قواعد و علائم نگارشی	معلم: بچه‌ها این جملات را در کتاب یا دفتر خود نوشته و به صورت فردی باز هم کلمات دیگر برای زیباتر شدن جملات به آن اضافه نمایید. و علائم و قواعد نگارشی را هم در متن انشا قرار دهید و در نهایت یک پایان (نتیجه‌ی) مناسب برای انشاهایتان بنویسید.	دانش آموزان، فعالیت خواسته شده را انجام می‌دهند.																														
گام ششم ارائه‌ی انشا، ارزش‌یابی (نقد و بررسی)	دانش آموزان انشاهای خود را می‌خوانند و دانش آموزان دیگر و معلم، موارد مثبت و یا نیازمند به اصلاح را یادآور می‌شوند.																															

دوروش ساده برای آموزش نوشتن

زهرا مبارکی

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان قلم، ایلام

یکی از تجربه‌های آموزشی جالب که من دارم، نوشتن متن و انشای کوتاه توسط شاگردان پایه‌ی دوم است. معمولاً هر سال در ماه اسفند که بچه‌ها در جمله‌نویسی مهارت یافته‌اند و اکثر کلمات کتاب را فراگرفته‌اند، با بچه‌ها در دو روش شروع به کار می‌کنم تا برای سال بعد آمادگی لازم در درس انشا را بیابند.

روش اول

۲۰ تا ۳۰ کلمه روی تخته‌ی کلاسی می‌نویسم (معمولاً کلماتی که در یک موضوع خاص به کار می‌روند). سپس از بچه‌ها می‌خواهم در گروه‌های سه نفری و پس از پنج دقیقه مشورت، با کلمات داده شده متنی با معنا و جالب توجه بنویسند و برای آن نامی مناسب بگذارند. بعد، از هر گروه یک نفر به نمایندگی بیاید و متن را بخواند. گروه‌های دیگر درباره‌ی معایب و محاسن آن نظر می‌دهند و متن‌های جالب تشویق شده و روی تابلوی خاص این کار نصب می‌شود. باید در نظر داشت در مراحل اول از کلمات یک درس خاص استفاده می‌شود و بعد، خارج از کتاب مدنظر قرار می‌گیرد و دیگر این که قواعد و شرایط یک متن خوب را آموزگار قبلاً باید به دانش‌آموزان بگوید.

روش دوم

نوشتن متن به کمک نقاشی و تصاویر مبهم است. پس از این که دانش‌آموزان در نوشتن متن توان مند شدند، از این روش استفاده می‌کنم. یک نقاشی مبهم که قوه‌ی تفکر و تخیل بچه‌ها را تحریک کند، روی تابلو می‌کشم و یا تصویری آماده روی تابلو می‌چسبانم. سپس از شاگردان می‌خواهم در سکوت مطلق درباره‌ی تصویر فکر کنند و بعد هر کدام به تنهایی تفسیر و نظر خود را به صورت یک متن کوتاه بنویسند. آموزگار متن‌ها را بررسی می‌کند و با تشویق همه‌ی بچه‌ها، بهترین متن‌ها توسط خود شاگردان خوانده می‌شوند و سپس توسط دانش‌آموزان نقد و بررسی می‌شوند. در این روش، شاگردان با گوش دادن به متن‌های متفاوت با دیدگاه‌های دیگران آشنا می‌شوند. همچنین، دانش‌آموزان وادار می‌شوند بعد از این با دقت بیشتری به همه‌چیز نگاه کنند و نیز زمینه‌ی داستان‌نویسی و علاقه به نوشتن در آن‌ها پرورش می‌یابد.

